**انترناسیونال ۷۱۶**

آرش دشتی

**فوتبال، شادی و باقی قضایا**

به دنبال پیروزی تیم فوتبال ایران بر تیم فوتبال ازبکستان و راهیابی ایران به مسابقات جام جهانی فوتبال ۲۰۱۸ روسیه، موجی از شادی خیابانی، شهرهای ایران را فراگرفت.

در ایران اسلامزده نزدیک به چهار دهه است که حاکمان از گور برخاسته همواره سعی کرده اند سایه سانسور و سوگ و سکوت را مانند شمشیر داموکلس بالای سر جامعه نگه دارند و مردم ـ بویژه جوانان ـ همیشه گوش بزنگ بوده‌اند تا از کوچک ترین روزنه ای برای شکستن پوسته های دیکتاتوری و خفقان و ابراز شادی های دسته جمعی و اجتماعی استفاده کنند. از مهمانی های روزانه و شبانه گرفته

تا گلگشت ها و پارک نشینی ها و آب پاشی ها و ساختن آدم برفی ها و تا جشن بادبادک‌ها و خوردن و آشامیدن علنی در ماه رمضان و ده ها کاری که به زعم مرتجعان و تاریک اندیشان حاکم، رفتارهای هنجار شکنانه قلمداد می‌شود.

کافی است در یک مسابقه ورزشی، تیم ایران برنده شود و امتیازی بدست آید؛ شهرها پر می شود از رقص و آواز و شادمانی و بوق و روشن کردن چراغ ماشین ها .در این نمایش های خیابانی، همه ی قوانین و مقررات حکومت توسط جوانان زیر پا له می شود، دختر و پسر، زن و مرد در هر ساعتی از شبانه روز که باشد، درکنار هم می خوانند و می رقصند و شعار می دهند و خیابان ها و میدان های

معروف شهر را به استادیوم ورزشی تبدیل می کنند که در آن هیچ منع و ممنوعیتی پذیرفته نیست. باشد تا روز ریشه کن شدن بیکاری و بی مسکنی و بی سوادی و فقر و اعتیاد و گرسنگی و تن فروشی، همه ی مردم به خیابان بریزند و پایکوبی کنند. چرا که مردم به شادی نیاز دارند همانطور که به نان و مسکن و آزادی نیاز دارند. ورزش می تواند وسیله ای باشد برای به میدان آمدن و مطالبه ی سرزندگی و نشاط و یک حق طبیعی به نام شادی و شادابی که سال هاست از ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی رخت بر بسته است.

مردم، این نشاط را برای مبارزه و مخالفت با غم و اندوهی که دستگاه های مذهبی و جریانات ارتجاعی حاکم سال هاست به جامعه پمپاژ می کنند، نیاز دارند. این که امروزه ورزش به عنوان یک نهاد بین‌المللی، ابزاری در دست سرمایه داری است و دولت ها سعی می‌کنند به وسیله ورزش، انرژی‌های مطالبه گرایانه را در جوانان کاهش دهند و شور و شوق ها را به سوی عقده هایش تیم پرستانه و خواسته های نازل منطقه ای و ناسیونالیستی کانالیزه کنند و بهره‌برداری های سودجویانه شان را بکنند، موضوعی است که باید در نوشتارهای دیگری به آن پرداخت و نشان داد که ورزش، یک صنعت و یک تجارت عظیم و سودآور است و بسیار بیشتر از آن که در خدمت سلامت و همبستگی مردم دنیا باشد، در دست سیاست بازان و بنگاه های غارتگر و استثماری است، به گونه ای که در باشگاه‌های

ورزشی بزرگ دنیا و در دستگاه های ورزشی، میلیاردها دلار پول جا به جا می شود. از سوی دیگر اهمیت ورزش به عنوان یک تجارت سودبخش و سیاست تا آنجاست که در دوسه دهه اخیر در بیشتر کشورهای دنیا و از جمله در جمهوری اسلامی، وزارتخانه ای با عنوان « ورزش و جوانان» راه اندازی شده تا این بیزینس سودآور و این بنگاه سیاسی ـ اقتصادی را در جهت کنترل احساسات و عواطف و شور و هیجان جوانان  و هدایت انرژی فوران کننده را به طرف ناسیونالیسم  سمت و سو بدهد. چراکه ورزش هنوز ظرفیت های اجتماعی و مهیجانه اش را به منظور ایجاد همبستگی ها و به خیابان آمدن ها و برپایی کارناوال های شادی و درهم شکستن نظم و نظام سرکوبگرانه دولت ها و نقض آشکار« آتش به اختیار» ها را در خود ذخیره و نهفته دارد که در مواقعی چونان آتشفشان می غرد و در صورتی که درست شکل بگیرد و سمتدهی و ارگانیزه شود، می تواند تا شورشی برای سرنگونی پیش برود.